

روش تحقیق درباره

زندگی ائمه اطهار علیهم السلام

علی بیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روش تحقیق درباره‌ی زندگی ائمه‌ی اطهار

نویسنده:

علی بیات

ناشر چاپی:

علی بیات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	روش تحقیق درباره‌ی زندگی ائمه‌ی اطهار
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۸	روش تاریخنگری و تاریخنگاری
۹	چگونگی بهره‌گیری از منابع
۹	اشاره
۹	قرآن
۱۰	مجموعه‌های حدیثی و روایی
۱۱	دیگر منابع
۱۲	تعیین نقش زمان و مکان در بررسی تاریخی زندگانی ائمه‌ی اطهار
۱۲	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

روش تحقیق درباره‌ی زندگی ائمه‌ی اطهار

مشخصات کتاب

نویسنده: علی بیات

ناشر: علی بیات

چکیده

بنا به اعتقاد شیعه، ائمه اطهار (س) ملازم قرآن هستند و سیره‌ی آنان مبنای معرفت دینی است و از این رو شناخت اسلام به معنی حقیقی کلمه، جز با شناخت زندگانی آن بزرگواران میسر و ممکن نخواهد بود. این ضروریات ایجاب می‌کند تا هر چه بیشتر زندگانی آنان از زوایای گوناگون مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا بتوان از این طریق به کشف حقایق ناب دینی راه برد؛ بدین منظور سه نکته‌ی اساسی باید مورد امعان نظر قرار گیرد: اول: بنا بر نگرش نوین تاریخی، ضروری است مطالعه در زندگانی ائمه بر اساس عنصر «تغییر» صورت پذیرد، نه توصیف صرف. در نگارش تاریخی زندگانی آنان نیز باید زبانی استدلالی، تحلیلی و انتقادی را به کار بست نه زبانی خبری و وصفی. دوم: در بهره‌گیری از منابع و مآخذ تحقیقی که اساس مطالعات تاریخی است، بیش از هر چیز باید به قرآن روی آورد؛ زیرا این کتاب قطعی‌ترین منبع معرفت دینی است و ائمه خود ملازم آنند. دیگر اینکه مجموعه‌های حدیثی و روایی را به لحاظ آنکه در بردارنده‌ی سنت به مفهوم قول و فعل و تقریر آنان است، با روش تنقید اسناد و متون روایات مورد استفاده قرار داد و نقایص موجود در آنها را برطرف ساخت. سرانجام از سایر منابع و مآخذ تاریخ اسلام به شرط انجام کار کتابشناسی علمی بهره‌گرفت تا مواد خام اطلاعاتی سره از ناسره مشخص و ممتاز گردد. سوم: نقش ظرف زمان و مکان و در مجموع مقارنات تاریخی را در نوع جهت‌گیری و موضع‌گیری هر یک از پیشوایان معصوم در نظر داشته باشیم تا بتوان به چرایی بسیاری از پرسشهایی که درباره‌ی زندگانی آنان به ذهن هجوم می‌آورد، پاسخ معقول و منطقی داد. این الذین زعموا انهم الراسخون فی العلم دوننا؟ بنا یستعطی الهدی و یستجلی العمی، ان الائمة من قریش غرسوا فی هذا البطن من هاشم، لا تصلح علی سواهم و لا تصلح الولاة من غیرهم «کجایند کسانی که پنداشتند آنان - نه ما - دانایان علم - قرآن - هستند؟... راه هدایت را راهنمایی ما می‌پویند، و روشنی دل‌های کور را از ما می‌جویند. همانا امامان از قریشند که درخت آن را در خاندان هاشم کشته‌اند، دیگران در خور آن نیستند و طغرای امامت را جز به نام هاشمیان ننوخته‌اند. [۱]. شاید بهتر این بود که مطلب را به تناسب بحث با سخنی درباره‌ی تعریف و ماهیت علم تاریخ، اثبات موضوعیت و سودمندی آن آغاز می‌کردیم و با اشاره‌ای در باب روش تحقیق در تاریخ پی می‌گرفتیم تا زمینه‌ای مناسب برای طرح موضوع اصلی فراهم آید. اما برای پرهیز از طولانی شدن کلام، دامنه سخن را به بحث درباره‌ی موضوع اصلی محدود ساختیم تا از اهداف این نوشتار دور نشویم. بر این اساس به جای مقدمه، ضرورت شناخت و مطالعه و تحقیق درباره‌ی زندگانی ائمه اطهار را به اجمال مورد توجه قرار می‌دهیم تا چشم‌انداز روشنتری از موضوع، پیش رو فراهم آید. ساده‌ترین تعریف از مذهب شیعه که در عین حال آن را از دیگر مذاهب و فرقه‌های اسلامی ممتاز و مجزا می‌سازد، این است که بگوییم این مذهب مجموعه‌ی اعتقادات و معارف دینی خود را علاوه بر قرآن و سنت رسول (ص) - که در این دو موضوع با دیگر مذاهب اسلامی مشترک است - بر سنت و سیره‌ی جانشینان بر حق آن حضرت، یعنی علی (ع) و یازده فرزندش تا حضرت حجت (عج) که در غیبت به سر می‌برد، استوار کرده است. اینجاست که اختلاف اساسی میان مذهب شیعه و مذاهب اسلامی دیگر پدید می‌آید؛ یعنی شیعیان علاوه بر تمسک به قرآن و سنت پیامبر (ص) به استناد حدیث «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» و ده‌ها دلیل قرآنی و حدیثی دیگر، اهل بیت را همدوش قرآن دانسته و می‌دانند و

تفسیر و تبیین عقاید دینی خود را از آنان می‌گیرند. در حالی که بیشتر مسلمانان برخلاف شیعیان، اصحاب پیامبر (ص) را عادلان امت و قول و عمل آنان را مشمول دایره‌ی سنت پنداشتند و از این رو آنان را حجت و رهنمای امت قرار دادند. [۲]. این اختلاف اساسی در تعریف سنت، خود منشأ بروز اختلاف عمیقتری میان شیعیان و دیگر مذاهب شد؛ بدان معنا که شیعیان در تفسیر قرآن و سنت رسول (ص) به مدت دو قرن و نیم از تعالیم اهل بیت بهره می‌جستند اما دیگر مذاهب بر طریق اصحاب پیامبر (ص) گام می‌زدند. پیامد فکری چنین نگرشی، که عمل و قول اصحاب، حجت و سنت قلمداد شود، منشأ بروز چنان انحرافی شد که ابن‌خلدون این مورخ نامدار مسلمان در بررسی علل قیام امام حسین (ع) بر ضد یزید و سکوت دیگر صحابه در برابر فسق و فساد وی گوید: «هم حسین و هم دیگر صحابی همه مجتهد بودند [۳] و نباید روش هیچیک از دو گروه را انکار کرد» [۴] و جای دیگر آورده است «... نباید با تصور غلط، کسانی را که با اجتهاد حسین (ع) موافق نبودند و از یاری کردن وی دریغ ورزیدند به گناهکاری نسبت دهی زیرا بیشتر ایشان از صحابه به شمار می‌رفتند و با یزید همراه بودند و به قیام کردن بر ضد وی عقیده نداشتند» [۵] و در ادامه گوید «و حسین (ع) در این واقعه شهید و در نزد خدا مأجور است و عمل او بر حق و از روی اجتهاد است و صحابه‌ای که با یزید بوده‌اند نیز راه حق و اجتهاد را پیموده‌اند». [۶] تا آنجا که در کمال شگفتی به قضاوتی چنین غیرمنصفانه پرداخته که «... [حسین (ع)] گمان کرد خود او به سبب شایستگی و داشتن شوکت و نیرومندی خانوادگی بر این امر [قیام یا امر خلافت] تواناست. اما درباره‌ی شایستگی آن گونه که گمان کرد درست بود و بلکه بیش از آن هم شایستگی داشت، ولی درباره شوکت اشتباه کرد، خدا او را بیامزد». [۷] ابن‌حجر هبشی نیز مانند ابن‌خلدون، عدالت و اجتهاد همه‌ی اصحاب پیامبر (ص) را ثابت فرض کرده و با قبول چنین فرضیه‌ای در تحلیل اختلافات و فتنه‌های پدید آمده میان اصحاب، آورده است «جنگها و فتنه‌هایی که میان صحابه برپا شد تنها به دنیا محدود است و در آخرت همه‌ی آنان بر اساس اجتهادشان بر حق و صواب هستند و تفاوتشان تنها در پاداش است، زیرا کسی که مانند علی (ع) و یارانش اجتهاد کرد و به صواب رفت از دو پاداش و بلکه ده پاداش برخوردار می‌شود و کسی که مانند معاویه اجتهاد کرد و به خطا رفت تنها از یک پاداش بهره‌مند می‌شود. [۸] بنابراین از حق صحابی و اجتهاد برخوردار بودن و از عادلان به شمار رفتن، کافی است تا غباری که در بینی اسب یکی از صحابه (معاویه) وارد شد هزار مرتبه از عمر بن عبدالعزیز برتر باشد. [۹]. به هر حال شیعه از روز نخست، ولایت معنوی و مرجعیت دینی و حق حاکمیت سیاسی را در خاندان پیامبر (ص) نهاد و بر این اساس در فهم و تبیین علوم و معارف دینی تنها به اهل بیت رجوع کرد و با این روش از فرقه‌های دیگر جدا شد [۱۰] و نظام فکری، اعتقادی و فقهی خود را بر پایه‌ی تعالیم آن بزرگواران استوار ساخت. اما مطلب به همین سادگی پایان نپذیرفت. همان سال که پس از رحلت پیامبر (ص) در تفسیر سنت حضرتش، مسلمانان دستخوش اختلاف شدند و کسانی نیز با غرضهای شخصی یا قبیله‌ای و سیاسی و... به تحریف و جعل حدیث دست یازیدند و مشکلات بیشماری در شناخت سیره‌ی رسول برای مسلمانان پدید آوردند، زندگانی و سیمای حقیقی اهل بیت نیز به مراتب بیش از زندگانی و سیمای پیامبر (ص) در هاله‌ی ابهام قرار گرفت؛ زیرا از سویی اهل بیت، موقعیت سیاسی پیامبر (ص) را نداشتند و جز در حکومت چند ساله علی (ع) و چند ماهه‌ی امام حسن (ع) دستشان از قدرت کوتاه بود و در انزوای کامل سیاسی قرار گرفتند و سیمای تابناکشان، نه تنها برای مسلمانان در دوره‌های بعد که حتی برای مردم روزگار خودشان، رخ نمود. از سوی دیگر دشمنانشان خواه بر تخت خلافت یا بر مسند فقاقت، که تعالیم و جهت‌گیری فکری - سیاسی آنان را موجب تهدید و خطر برای منابع و موقعیت خود می‌دیدند، به شیوه‌های گوناگون با برخورداری از قدرت و دیگر امکانات به مخالفت و دشمنی با آنان برخاستند، اخبار دروغ جعل کردند و نشر دادند و تهمت‌های ناروا بستند. این امر نه تنها به وسیله دشمنان به کار گرفته شد که اختلاف نظر و کجروی فکری و انحراف سیاسی میان پیروان و هواداران ائمه نیز موجبات و زمینه‌های مساعدی را در جبهه‌ی داخلی شیعه برای تحریف پدید آورد؛ این بدان معنی است که مذهب شیعه پس از شهادت امام حسین (ع) ماهیت همگون فکری - سیاسی خود را از دست داد و در توسعه و گسترش تاریخی

خود ناخواسته دستخوش تفرقه و به ده‌ها فرقه منشعب گردید. هر چند پیشوایان معصوم از زمان امام سجاد (ع) تا امام حسن عسکری (ع) تلاش گسترده‌ای را در راه اثبات حقانیت شیعه به کار بردند و پرچم مبارزه‌ی فکری - سیاسی را در برخورد با دو جبهه‌ی دشمنان مغرض و دوستان منحرف برافراشتند اما به تجربه ثابت شد که پایداری در برابر دوستان منحرف به مراتب مشکلتر از ایستادگی در برابر دشمنان مغرض است. این دوستان یا همچون عباسیان به راه تفریط غلتیدند و بنابر مصالح سیاسی از امامت به مفهوم اولیه‌ی آن نیز دست کشیدند و به اهل سنت و جماعت پیوستند و یا چون گروه‌های افراطی کیسانیه و زیدیه و... به سوی افراط کشیده شدند و از تعالیم و رهنمودهای امام معاصر خود گذشتند و همانجا نیز متوقف شدند. گروهی دیگر نیز در حق ائمه قائل به غلو شدند. بنابراین کار مطالعه و تحقیق در زندگانی ائمه با مشکلات جدی روبرو شد، زیرا هر فرقه و گروهی بنابر تمایلات خاص فکری - سیاسی خود، اما به نام شیعه، به تفسیر معارف اعتقادی و تبیین خط مشی سیاسی پرداخت و در نتیجه نظریات و روایات مختلف و متناقضی در مسائل دینی شیعه پدید آمد و چنان با عقاید حقه‌ی شیعه یا شیعه‌ی حقه در آمیخت که تصفیه و جداسازی آنها بر پژوهندگان اگر نگوییم غیرممکن که سخت دشوار می‌نماید. بنابر آنچه گذشت از سویی ضرورت مطالعه و بررسی در زندگانی ائمه‌ی اطهار، که راه معرفت صحیح دینی را به مسلمانان و بویژه پیروانشان آموزش داده‌اند و از دیگر سو موانع و مشکلات جدی که در این راه وجود دارد، اهل تحقیق و تتبع را وادار می‌دارد تا برای پرهیز از لغزش و فروافتادن در راه افراط و تفریط و دام تحریف گذشتگان، روش‌مندانه به تحقیق در زندگانی ائمه روی آوردند. بدین منظور نکاتی چند را به اجمال مورد بررسی قرار می‌دهیم، بدان امید که باب طرح چنین مباحثی هر چه بیشتر گشوده شود و این اندک، دستمایه مطالعات بعدی قرار گیرد.

روش تاریخنگری و تاریخنگاری

کسی که کارش را تحقیق و تتبع در تاریخ قرار داده است، بیش و پیش از هر چیزی باید کار خود را با تعیین نوع نگرش و نگارش در تاریخ آغاز کند. ممکن است این سخن، شگفتی و یا تردید کسانی را برانگیزد اما حقیقت این است که تا نوع نگرش و نگارش یک مورخ یا محقق در تاریخ و موضوع مورد بحث و پژوهش وی روشن نشود، نمی‌توان نسبت به ارزش علمی و نتیجه کار فکری خود اطمینانی به دست آورد یا به دست دهد و این خود یکی از نقاط ضعف و مهم و نقص مورخان و پژوهشگران جامعه‌ی ماست. شاید علت بروز این ضعف و نقص این باشد که هنوز تفکر تاریخی در جامعه و حتی در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز علمی - فکری ما به پیشرفت و مفهوم نوین خود دست نیافته است و هنوز بنابر همان نگرش و نگارش کهن و سنتی خود به تاریخ چشم می‌دوزیم. خواه علت این باشد یا چیز دیگر، نتیجه‌ی تلخ آن برای ما این است که شمار مورخان صاحب‌نظر - و نه مورخانی که شغلشان تاریخ‌گویی یا تاریخ‌نویسی است - از تعداد انگشتان فراتر نمی‌رود. برای حل این مشکل و جبران این نقیصه باید تفکر تاریخی را بیش از پیش موضوع بحث و تحقیق و برگزاری سمینارها قرار داد تا بتوان با ذهنی روش‌تر به عرصه‌ی مطالعات و پژوهش‌های تاریخی گام نهاد. به هر حال پژوهشگر تاریخ شیعه باید نوع نگرش و نگارش تاریخی خود را مشخص سازد. چنین کسی در وهله‌ی نخست باید بداند و روشن کند که در جستجوی چیست، و با توسل به کدام شیوه‌ها می‌خواهد یا می‌تواند به مقصود رسد. به طور قطع اگر عنصر تغییر و تحول در حوادث و رویدادهای گذشته، پایه‌ی اصلی مطالعات تاریخی قرار گیرد، نیاز بدان است که از هر صورت ظاهر اسناد و اخبار تاریخی به عمق آنها نفوذ کرد و میان تمامی اجزای یک حادثه یا واقعه که در بستر زمان و در اوراق منابع پراکنده شده‌اند، ارتباط و نظم منطقی و معقول برقرار کرد و تغییرات کمی و کیفی آنها را، که در طول زمان پدید آمده است، مرحله به مرحله نشان داد. تنها در این صورت است که اجزای بی‌مفهوم و به ظاهر بی‌ارزش یک رویداد در ترکیب با هم معنا و مفهوم تازه‌ای می‌یابد و نه تنها برای محقق، که برای خواننده نیز از جذابیت شورانگیزی برخوردار می‌شود. با چنین نگرشی به

زندگانی ائمه و در کل به تاریخ است که می‌توان وحدت حاکم بر جریان تاریخ زندگانی آنان را در عین تغییر و تحول مستمر آن بنا بر مقتضیات کشف کرد. جریان‌ی که به مثابه‌ی حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته، مفهومی روشن و شکلی اندام‌وار را به پژوهنده و خواننده القا و تفهیم می‌کند. حال اگر جز این باشد و بر ذهن محقق امروز ذهنیت تاریخی مورخان دیروز، یعنی صرف «خبر دادن از آنچه در گذشته یا حال اتفاق افتاده است»، سایه افکننده باشد، وی نمی‌تواند به درک و فهم نوینی از زندگانی ائمه نایل آید و کاری جز تکرار فضایل و مناقب ائمه، که در بسیاری از آثار قدیم و جدید آمده است، از پیش نخواهد برد. غیر از توجه به کشف علل و درک و تبیین عنصر تغییر و تحول در رویدادها و وقایع مربوط به زندگانی ائمه‌ی اطهار، نوع نگرشی هم که محقق نسبت به منزلت و جایگاه دینی آنان دارد، بسیار حائز اهمیت است. بنا بر نظرگاه شیعه، اهل بیت برگزیده از سوی خداوند و جانشینان بر حق پیامبرند و بنا به اعتقاد اهل سنت یا از جمله صحابی و یا در طبقه‌ی تابعین اند و بنا بر ذهنیت یک مورخ و محقق غیرمسلمان نه آن و نه اینند، بلکه همچون دیگر شخصیت‌های تاریخی هستند که مشمول معادلات و قوانین انسان شناسانه‌اند. آشکار است که هر یک از این سه دسته دیدگاه، پیامدها و استنتاجات منطقی خاص خود را به دنبال دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر تعیین نوع نگرش تاریخی، باید نوع نگارش تاریخی یعنی وصف ادبی اعمال و حوادث گذشته [۱۱] را نیز روشن کنیم. در این کار به تناسب تحولی که در مفهوم تاریخ پدید آمده است نیازمند زبانی هستیم که هم بتوان آن را به درستی بنمایانیم و هم با مخاطبان خود رابطه فکری برقرار سازیم و پاسخ لازم را به نیاز و خواسته آنان بدهیم. نقل و وصف اخبار و روایات تاریخی به هر قصد و انگیزه، زبان امروزی تاریخنگاری نیست. گذشتگان، این مهم را به تناسب نوع برداشت و تلقی که از تاریخ داشته‌اند، انجام داده‌اند. بنابراین تکرار نابجای آن موجب دلزدگی خوانندگان خواهد شد. تاریخ با دید و مفهوم نوین به زبانی استدلالی، تحلیلی و انتقاد نیاز دارد نه زبانی خبری و وصفی، زیرا غرض خوانندگان از مطالعه‌ی کتابهای تازه‌ی تاریخی آگاهی صرف از اخبار نیست؛ آنان این آگاهی را به اندازه‌ی کافی از طریق مطالعه آثار پیشینیان به دست می‌آورند. آنان انتظار دارند از مطالعه‌ی کتابها تازه‌ی تاریخی پیام و فکر و سخن تازه‌ای بشنوند و شواهد مستدل و مستند این پیام و فکر را نیز بنگرند و مورد ارزیابی قرار دهند. بر این اساس نمی‌توان زندگانی ائمه را به طریق نقل اخبار، که بیشتر حاوی مناقب و فضایل آنان است، به درستی عرضه کرد، بلکه باید علل و اسباب حوادث زندگانی آنان و آثار و پیامدهایشان را مورد بررسیهای عمیق استدلالی و تحلیلی قرار دهیم تا هم مواد خام اطلاعات تاریخی مربوط به زندگانشان به بهترین وجه ارائه گردد و هم غبار تحریف از سیمای تابناکشان زدوده شود.

چگونگی بهره‌گیری از منابع

اشاره

از آنجا که مطالعات تاریخی صرفاً وقایع و حقایق گذشته را مورد بررسی قرار می‌دهد و این بررسی جز به کمک اسناد و منابع مکتوب و غیرمکتوب صورت نمی‌گیرد و اظهارات و قضاوت‌های تاریخی جز با استناد به شواهد و مدارک مستقیم یا غیرمستقیم تاریخی فاقد اعتبار و ارزش خواهد بود، ضروری است منابع تحقیق، ارزش و چگونگی بهره‌گیری از آنها را مورد توجه قرار دهیم.

قرآن

از آنجا که قرآن، کلام خداوند و قطعی‌ترین منبع معرفت دینی مسلمانان است باید تمام مطالعات دینی بر اساس و پایه‌ی آن استوار گردد. شاید این سؤال پیش آید که چگونه می‌توان از قرآن در مطالعات و تحقیقات تاریخی بهره برد. زیرا داده‌های تاریخی قرآن درباره‌ی زندگانی پیامبران و امتهای گذشته و یا احوال پیامبر اسلام (ص) و پاره‌ای حوادث محیط عصر حیات آن حضرت است و

نه با نظم و ترتیب تاریخی ارائه شده و نه به اجزاء و عوامل درونی وقایع تاریخی به صورت یک کل مرتبط با هم نگریسته شده است. حال با چنین ویژگی چگونه می‌توان از قرآن در بررسی زندگانی ائمه بهره برد. گفتنی است منظور، این نیست که قرآن همپایه‌ی دیگر منابع مکتوب تاریخی قلمداد شود، زیرا این کتاب آسمانی نه کتاب تاریخ است، نه فقه، نه کلام، نه بلاغت و نه... بلکه کتاب هدایت و دستور زندگی و راهنمای فکر و عمل است. با این ویژگی چشمگیر است که باید قرآن معیار سنجش و ملاک ارزیابی فکر و عمل قرار گیرد و عیار هر فعل و فکری را بر اساس آن تعیین کرد. با چنین توصیفی می‌توان قرآن را مبنای شناخت زندگانی پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار قرار داد، چه آنان نه تنها شارحان و مفسران حقیقی کلام وحی‌اند که قول و فعلشان نیز مأخوذ از کتاب خداست. نه از تعالیم آن فرارفتند و نه چیزی از دستوراتش را فرو گذاشتند؛ یعنی هر قول و فعل آنان مستند به آیات قرآنی بوده است. بنابراین قرآن اصلی‌ترین و معتبرترین منبع در شناخت زندگانی ائمه به شمار می‌رود و دیگر منابع و اخبار را باید با آن مطابق و مقابله کرد. شاید با ارائه‌ی شواهدی چند بتوان اهمیت و ارزش این مطلب را نشان داد که چگونه ائمه‌ی اطهار در موضع گیریهای فکری، سیاسی و... خود به آیات قرآن استناد می‌جستند. پس از آنکه پیامبر گرامی (ص) به جوار حق تعالی شتافت و امت وی به فتنه و اختلاف افتادند و بدعتها نهادند، فاطمه زهرا (ع) به حکم و وظیفه‌ی دینی نتوانست در خانه بنشیند و تماشاگر انحراف مسلمانان باشد. او که فرهیخته و ادب آموخته‌ی مکتب پیامبر (ص) بود، دوشادوش همسر والامقامش علی رسالت پیامبر (ص) را در هدایت امت در دست گرفت و در خطبه‌ای بلیغ که در جمع مسلمانان در مسجد پیامبر ایراد کرد، خطرات و عواقب و پیامدهای ناگوار بدعتی را که در سقیفه نهاده شده و سیاسی را که ابوبکر در برخورد با وی بر سر مسأله فدک اتخاذ کرده بود، جای جای با استناد به آیات قرآنی گوشزد کرد. نقل متن این خطبه و شرح و بیان آن در این مختصر نمی‌گنجد. [۱۲] از این رو به همین اندازه بسنده می‌شود که آن حضرت در خطبه‌اش چهارده بار به متن یا مضمون آیات قرآن استناد جست. این مطلب علاوه بر آنکه اشراف عمیق فاطمه (ع) را بر قرآن می‌نمایاند، آشکارا نشان می‌دهد که حضرت چگونه خط مشی فکری و سیاسی خود را از قرآن اخذ می‌کند و مطابق تعالیم و دستورات قرآن کریم گام برمی‌دارد و به روشنگری می‌پردازد. علی (ع) نیز آن گاه که با اکراه عهده‌دار حکومت مسلمانان شد از همان آغاز، عمل به کتاب خدا و سنت رسول (ص) را سرلوحه‌ی برنامه‌ی خود قرار داد و در مواقع گوناگون با تمسک به رهنمودهای قرآن نشان داد که بر آن است حکومت و جامعه را بر اساس اصول و دستورات قرآن اداره کند. [۱۳] با ذکر نمونه‌ای از صدها هزاران شاهد دیگر در بهره‌گیری از معارف قرآن در شناخت زندگانی ائمه اطهار این مطلب را به پایان می‌بریم. تاکنون شرایط و انگیزه‌های ولایتعهدی امام هشتم از سوی مورخان و محققان مورد بحث و بررسی و قضاوت‌های مختلف و گاه متناقض قرار گرفته و از این رهگذر صدها کتاب و مقاله به رشته‌ی تحریر در آمده، اما با این همه هنوز پرسشهای بسیاری بی‌پاسخ مانده است. بدون شک پاسخ صحیح و تحلیل درست ولایتعهدی آن حضرت را، چنانکه خود بدان دلالت و اشارت فرمود، باید در قرآن جستجو کرد؛ یعنی در داستان یوسف و عزیز مصر. آنجا که یوسف پیامبر به حکم ضرورت از عزیز خواست او را به سبب امانتداری و کارآیی بر خزائن زمین بگمارد. [۱۴] چنین پژوهشی بر اساس تفکر قرآنی درباره‌ی مسأله‌ی ولایتعهدی امام هشتم (ع) تاکنون انجام نشده است. جز این مورد در صدها مورد دیگر، آن حضرت با استناد به آیات قرآن در احتجاجات و مجالس مناظره‌ی خود ابواب معارف قرآنی را در زمینه‌ی مسائل فکری، اعتقادی، سیاسی، فقهی و... گشودند. [۱۵] حاصل سخن اینکه به لحاظ ملازمت جدا ناشدنی اهل بیت با کتاب خدا، باید تاریخ زندگانی آنان را بر مبنای کتاب خدا و سنت رسول (ص) مورد بررسی و پژوهش قرار داد.

مجموعه‌های حدیثی و روایی

پس از قرآن کریم، کتابهای حدیثی و روایی، مورد اعتمادترین منابع تحقیق درباره‌ی زندگانی اهل بیتند؛ زیرا هیچ سند و دلیلی

نمی‌تواند معتبرتر و قطعی‌تر از اثر گفتاری یا نوشتاری شخصیت‌های تاریخی به طور اعم و اهل بیت به طور اخص باشد، مشروط بر آنکه صحت انتساب آن اثر (گفتاری یا نوشتاری) به گوینده یا نویسنده به اثبات رسد. از این رو بهره‌گیری از علم درایه الحدیث و علم رجال که به شناخت احوال راویان و طبقاتشان می‌پردازد، ضرورت پیدا می‌کند. دو نکته مهم را در بهره‌گیری از منابع حدیثی باید مورد نظر قرار داد. یکی اینکه در نقل و ضبط حدیث همواره تکیه و تأکید بر اصل و متن عبارت یا عباراتی است که حاوی گفتاری یا توصیف رفتار معصوم بوده باشد، بدون آنکه ارتباط آن با زمینه‌ها و شرایط و ملاحظاتی که در بیان آن قول یا انجام آن فعل از معصوم مؤثر بوده، روشن شده باشد. با برطرف ساختن این نقص و کشف رابطه معقول و منطقی میان قول و فعل و تقریر معصوم با شرایط و زمینه‌های بیرونی می‌توان از احادیث در تحقیقات تاریخی بهره‌ی شایانی برد و زندگانی ائمه را مرتبط با کلیت زمان و مکان عصر حیاتشان، ترسیم و تحلیل کرد؛ به عنوان مثال مفهوم حقیقی این حدیث نبوی که «من آذی علیا فقد آذانی [۱۶]» را زمانی می‌توان به دقت دریافت که ارتباط آن را با دیگر مقارنات تاریخی کشف کرد؛ یعنی شکایت عمرو بن شاس اسدی یا اسلمی از علی (ع) در سفری که با وی به یمن همراه بود. [۱۷] مورد دیگر اینکه در تنقید اسناد حدیث، احوال و تمایلات فکری، سیاسی و مذهبی راویان شیعی و غیرشیعی به درستی شناخته شود تا از گرفتار آمدن در دام تعصبات مذهبی - فرقه‌ای و جانبداریهای سیاسی - اجتماعی آنان در امان ماند؛ برای نمونه می‌توان به مؤلف کتاب الهدایه یعنی حسین بن حمدان جنبلانی اشاره کرد که علمای شیعه در فساد عقیده و انحراف فکری - سیاسی وی اتفاق نظر دارند. [۱۸] تمایلات فکری - سیاسی مؤلف کتاب مقاتل الطالیین به فرقه‌ی زیدیه نیز مانع از آن است که از روایاتش بتوان بدون نقد و مقابله با دیگر منابع بهره برد. پیداست که روایات این منابع و یا راویان صدر اول تاریخ شیعه تا آغاز عصر غیبت تا چه اندازه می‌توانست در منابع دوره‌های بعد تأثیر گذارد و جزء مسلمات تاریخ زندگانی ائمه (ع) پنداشته شود.

دیگر منابع

تواریخ عمومی، سیره‌ها، طبقات، مقاتل و... نیز، که همه را برای پرهیز از اطاله کلام یکجا می‌آوریم، باید مورد بررسی و معرفی و نقد کتاب شناختی قرار گیرند بویژه اینکه مؤلفان و نویسندگان بسیاری از این آثار، پیرو دیگر مذاهب اسلامی جز شیعه هستند. بنابراین روشن ساختن نگرش مذهبی، وابستگیهای سیاسی و اجتماعی و پایگاه علمی آنان می‌تواند در سنجش اخبار و روایاتشان اثر بسزایی داشته باشد. گرچه برای هر یک از این منابع می‌توان شواهد بسیاری ارائه کرد اما به اختصار به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود. دو کتاب خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب از نسائی (۳۰۳ ه.ق) و ینابیع الموده از حنفی قندوزی از منابع ارزشمند در مطالعات مربوط به زندگانی ائمه (ع) به شمار می‌روند، مشروط بر اینکه توجه شود هر دو مؤلف از شخصیتها و دانشمندان سنی مذهبند و انگیزه‌ی آنان از دست یازیدن به چنین تألیفی جز تمایلات خاص دینی به دور از تمایلات فکری - سیاسی شیعه نمی‌تواند باشد. یعقوبی و مسعودی دو مورخ نامداری که تمایلات شیعی آنان بر کسی پوشیده نیست به جهت کمی اطلاعات یا به سبب نداشتن روش و شکل خاصی در تاریخنگاری و تاریخنگاری زندگانی ائمه جز همان روش مرسوم حدیثی، آثار خود را بر اساس شکل دودمانی یا سلسله‌های حاکم تنظیم کردند و در حاشیه بنا بر ضرورت‌های تاریخی به اشاراتی کوتاه و نه گویا درباره‌ی زندگانی ائمه (ع) بسنده کردند، اما زمانی که تاریخ عظیم طبری را پیش رو می‌کشاییم گنجینه‌ای از مواد خام اطلاعات تاریخی شیعه را در آن انباشته می‌بینیم. طبری هر چند خود سنی مذهب و حتی دارای مذهبی مستقل در فقه بود اما به سبب روش خاصی که در تاریخنگاری داشت، روایات مختلف و گاه متناقضی را که به وی رسیده بود به شکل وقایع نگاشتی، ذیل سالهای متوالی از آغاز هجرت تا عصر حیات خود در اثرش گرد آورد. ارزش حقیقی اثر او این است که امکان دستیابی به روایات و اخبار مربوط به زندگانی برخی ائمه (ع) را برای پژوهشگر تاریخ شیعه فراهم می‌سازد هر چند جز با تنقید اسناد و متون روایات آن نمی‌توان به

درستی از آن بهره جست. به هر حال مأخذشناسی شیعه از مهمترین اسباب مطالعات تاریخ شیعه و خصوصاً زندگانی ائمه اطهار (ع) است. به رغم کارهای انجام شده هنوز جای خالی یک کتابشناختی انتقادی - تحلیلی شیعی به شدت احساس می‌شود. انجام چنین مهمی می‌تواند بسیاری موانع را از پیش پای اهل تحقیق و تتبع بردارد.

تعیین نقش زمان و مکان در بررسی تاریخی زندگانی ائمه‌ی اطهار

اگر به تاریخ اسلام و لاقبل به تاریخ دوره‌ی زندگانی ائمه از سقیفه تا سال دویست و شصت هجری یعنی آغاز غیبت صغری به صورت یک کل مرتبط با هم ننگریم و در نظر نداشته باشیم که حوادث و رخداد‌های تاریخی هر دوره خود به نوعی معلول رویدادهای پیشین بوده و به نوبه‌ی خود، علل وقایع دوره‌های بعد واقع شده‌اند، در بررسی زندگانی ائمه مشکل بتوان راه به جایی برد؛ به عنوان مثال سیاستهای مالی و اجتماعی عمر و خصوصاً عثمان، انحصار قدرت در دست قریش و بویژه امویان در خلافت عثمان و ترکتازی آنان، پیدایش شکاف عمیق اقتصادی در جامعه و بازگرداندن امتیازات عصر جاهلی به اشراف و سران قبیله‌ها خصوصاً قریش، همه و همه در ناکامی سیاسی علی (ع) و فرزندانش، امام حسن (ع) و نیز شکل‌گیری قیام امام حسین (ع) تأثیر مستقیم و مهمی داشتند. از این رو تا این همه و همه‌ی آنچه را یادآور نشدیم، به دقت باز شناخته نشوند، علل ناکامی سیاسی امام علی (ع) و امام حسن (ع) را نمی‌توان به خوبی باز نمود. مگر نه این است که علی (ع) به مردمی که بر او گرد آمده بودند تا بیعت کنند فرمود: «دست از من بدارید و دیگری را بطلبید. چرا که به امری برخوایم خورد که چهره‌های گوناگون و رنگهای گونه‌گون دارد، و دلها بر آن استوار و اندیشه‌ها بر آن پایدار نخواهد بود. آفاق را ابرهای تیره فرو گرفته و راه‌های روشن رستگاری تغییر یافته است... [۱۹]» و یا تا بافت ناهمگون اجتماعی و تمایلات مختلف سیاسی ساکنان کوفه به عنوان زمینه‌های واقعی مرکز خلافت علی (ع) و مرکز و پایگاه شکل‌گیری جنبشها و نهضت‌های شیعی شناخته نگردد، نمی‌توان علل شکست تلاشهای شیعیان را، که بارها در این شهر تجربه شد، کشف کرد، تا تاریخ و فرایند دو قرن پرفراز و نشیب اسلام و شیعه را تا سال دویست هجری پیش روی نداشته باشیم، علل پیشنهاد ولایتعهدی از سوی مأمون به امام هشتم (ع) و نیز علل قبول و پیامدهای آن همواره در هاله ابهام قرار خواهد گرفت، تا تاریخ اسلام در عصر نفوذ ترکان از دویست و بیست و هفت هجری به بعد و علل و آثار سلطه‌ی آنان، هر چند به ظاهر بی‌ارتباط با زندگانی امام دهم و یازدهم و چگونگی غیبت امام عصر (عج) می‌نماید، مورد مطالعه‌ی جدی قرار نگیرد، مشکل بتوان نقش تاریخی این بزرگواران را ترسیم کرد، و خلاصه اینکه زندگی پیشوایان شیعی را باید در متن جامعه‌ای که می‌زیستند مورد مطالعه و بررسی قرار داد و گرنه همچنانکه خورشید در شب نمی‌تابد، سیمای پرفروغ و تابناک ائمه در تاریکی نخواهد تابید.

پاورقی

[۱] نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه‌ی ۱۴۴، ترجمه‌ی دکتر سید جعفر شهیدی.

[۲] ر، ک: ابن حجر عسقلانی، الاصابه، مقدمه، ص ۷ - ۶؛ ابن حجر الهیثمی، تطهیر الجنان و اللسان عن الخطور و التفوه بتلب سیدنا معاویه ابن ابی سفیان، ص ۴. لازم به ذکر است مؤلف الاصابه عدالت صحابه را مستند به آیات قرآنی زیر کرده است: کنتم خیر امه اخرجت للناس... «آل عمران، ۱۱۰ و كذلك جعلناکم امه وسطا...» «بقره ۱۴۳»؛ لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبایعونک تحت الشجره... «فتح، ۱۸»؛ و السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار... «توبه ۱۰۰»؛ یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین «انفال، ۶۴»؛ للفقراء المهاجرین الذین اخرجوا من دیارهم... اولئک هم الصادقون «حشر، ۸. مؤلف تطهیر الجنان نیز گوید: ای مسلمانی که دلت لبریز از محبت خدا و رسول (ص) است بر تو واجب است که همه‌ی اصحاب پیامبرت را دوست بداری... و به عادل بودن همه آنان اعتقاد داشته باشی.

[۳] چنین حق اجتهادی را اهل سنت برای همه‌ی اصحاب پیامبر (ص) مسلم دانسته‌اند.

[۴] ابن خلدون، مقدمه، ترجمه گنابادی، ۴۰۷ - ۴۰۶: ۱.

[۵] همان ۱: ۴۱۶.

[۶] همان ۱: ۴۱۷.

[۷] همان ۱: ۴۱۵.

[۸] تطهیر الجنان و اللسان، ص ۶.

[۹] همانجا، ص ۱۰، برآستی کدام تحریف بالاتر از این بود و هست که آیه‌ی تطهیر و به نوعی صفت و ملکه عصمت در کسانی جز خاندان مطهر پیامبر (ص) نهاده شود.]

[۱۰] بیان و ذکر دلایل قرآنی و حدیثی انحصار ولایت معنوی و مرجعیت دینی و حاکمیت سیاسی در اهل بیت که به طریق نص الهی و من عند الرسول اثبات می‌شود از حوصله این نوشتار خارج است.

[۱۱] ر. ک: رزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۲۱، ترجمه‌ی دکتر اسدا... آزاد.

[۱۲] خوانندگان به بلاغات النساء، احمد ابن ابی طاهر، ۱۸ - ۱۵ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸۲۷ - ۸۲۵: ۴ مراجعه کنند.

[۱۳] از میان صدها منبع تاریخی می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد: پیکار صفین از نصر بن مزاحم، ترجمه‌ی پرویز اتابکی، ص: ۷۳۲، ۷۱۰، ۴۴۲، ۴۳۲، ۳۲۲، ۲۷۶، ۲۰۹، ۲۰۸، ۱۸۵، ۳۰، ۲۱، ۱۹، ۱۷. پیکار جمل از شیخ مفید، ترجمه‌ی دکتر محمود مهدوی دامغانی، ص: ۲۶۱، ۲۳۹، ۲۰۸، ۲۳۸، ۱۷۵. نهج البلاغه سید رضی، خطبه: ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۵۸، ۱۲۵، و نامه‌ی: ۶۹، ۴۸، ۴۷.

[۱۴] ر. ک: صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۵۱ - ۱۵۰: ۲.

[۱۵] برای کسب اطلاع بیشتر به جای جای کتاب ارزشمند عیون اخبار الرضا از شیخ صدوق و مناظرات امام هشتم (ع) در کتاب الاحتجاج طبرسی مراجعه شود.

[۱۶] بخاری، کتاب التاریخ الکبیر، (۲) ۳: ۳۰۷.

[۱۷] ابن حجر، الاصابه، ذیل عمرو بن شاس.

[۱۸] نجاشی، رجال، ۶۷؛ خویی، معجم الرجال الحدیث ۵: ۲۲۴.

[۱۹] نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه‌ی ۹۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

